

## عقاید غلات در عصر صادقین علیهم السلام و موضع این دو امام در مقابل ایشان

□ سجاد ساغری \*

□ روح اله شه مرادی \*\*

### چکیده

غلو یک جریان فکری انحرافی است که در طول تاریخ همواره وجود داشته است و می‌توان گفت یکی از خطرناک‌ترین گروه‌های انحرافی که سابقه ای طولانی دارد جریان غالی‌گری (غلو و غلات) بوده است. با دقت در آیات قرآن هم می‌توان فهمید که مردمان گذشته نیز اهل غلو و افراط بوده‌اند. در آیات قرآن به این موضوع اشاره شده که غلو و افراط اهل کتاب درباره پیشوایان و پیامبران خود چشمگیر بوده زیرا این عقاید آنها در بسیاری از آیات مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفته است. هدف این مقاله بیان عقاید غلو و غلات به ویژه در عصر صادقین (علیهم السلام) و چگونگی برخورد این دو بزرگوار در مقابل غالیان است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) به منظور ارائه تصویر درست از دین و جلوگیری از افراطی‌گری در آن انجام شده است. این نوشتار با استفاده از منابع، مسأله‌ی غلورا در عصر صادقین مورد مطالعه قرار داده است.

کلید واژه‌ها: غلات، غلو، صادقین، معصومین علیهم السلام.

\* دانشجوی دکتری رشته فرق تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب.

\*\* دانشجوی دکتری رشته فرق تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب.

## مقدمه

بحث پیرامون فرقه غلات و غالیان در طول تاریخ اسلام یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی است که هنوز بسیاری از مسائل آن ناشناخته باقی مانده است. در صورتی که تحقیق پیرامون آن‌ها می‌تواند راه گشای بسیاری از مسائل اعتقادی، سیاسی و تاریخی باشد. از نظر تاریخی، این حقیقت مسلم است که در زمان امامان معصوم خصوصاً در زمان امام محمدباقر و امام جعفر صادق علیهم السلام گروهی برای کسب منافع دنیوی و رسیدن به طمع‌های سیاسی خود، محبت ائمه معصومین را دست‌مایه‌ی شگرد‌های خود نمودند و در این راه با استفاده از ذهن‌های ساده مردم تا حد غلو و رساندن آن بزرگواران به مقام نبوت و الوهیت پیش رفتند. اما این حقیقت نیز غیرقابل تردید است که امامان شیعه (علیهم السلام) همواره در مقابل این موج خطرناک ایستادگی کرده و با تلاش‌های مستمر خود توانستند کاری کنند که پس از گذشت دو قرن، جز نامی از آن‌ها باقی نماند؛ و به این ترتیب بیشترین سهم را در نابودی آنان ایفا کردند.

## غلو در لغت و اصطلاح

واژه غلو در لغت، در معنای فراتر رفتن از اندازه و زیاده‌انگاری است (معین، ۱۳۷۵: ۱۲۶۵). در مفردات راغب اصفهانی ذیل واژه غلو آمده است که بر وزن فعول مصدر فعل «غلی، یغلو» و به معنی افراط، ارتفاع، بالاتر رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز می‌باشد. بنابراین وقتی قیمت چیزی از حد معمول خود بالاتر می‌رود، به آن غال؛ یعنی گران می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: بی تا). چنان‌که درباره مایعات، هرگاه به جوش آید و در حد خود ننگنجد، می‌گویند غلیان کرده و از حد خود خارج شده است. در مباحث فرقه‌شناسی هنگام مطرح کردن این واژه، زیاده‌انگاری نسبت به افراد مد نظر است، گرچه کلمه تعدی نیز به معنای زیاده روی و تجاوز از حد می‌باشد، اما این کلمه غلو، بیشتر در جایی کاربرد داشته و دارد که این افراط و زیاده روی در فلان قضیه و موضوع خیلی بیش از اندازه باشد (زبیدی، ۱۴۰۴: ۲۶۹).

معنای غلو این است که انسان چیزی یا کسی را از آن حدی که هست بالاتر بداند. (صالحی،

۱۳۸۴: ۱۹)

واژه غلات هم که جمع غالی می‌باشد، به معنی گزافه‌گویان و یاوه‌سرایان است. بدین ترتیب وقتی در مبحث معتقدات دینی مذهبی به آن می‌پردازیم، به آن معنا است که انسان چیزی را که به آن اعتقاد و باور دارد، از حد خود بسیار فراتر برده است. این غلات، فرقه‌هایی از شیعه می‌باشند که در تشیع افراط نموده، درباره ائمه خود گزافه‌گویی کردند و ایشان را به حد خدایی رسانده و یا قائل به حلول جوهر نورانی الهی در ائمه و پیروان خود شدند (مشکور، ۱۳۶۸: ۱۵۱). شاید بتوان گفت این پدیده یکی از تأثیرگذارترین پدیده‌ها در تاریخ تشیع است که در زمان حضور ائمه علیهم السلام و مشخصاً در عصر هویت بخشی به تشیع در دوره صادقین علیهم السلام رشد خود را آغاز و ضربه محکمی بر جریان تشیع وارد کرد. این پدیده توانست چهره وارونه و کریه‌ی از شیعه در جامعه اسلامی آن روز به نمایش بگذارد و دستاویزی مناسب برای مخالفان تشیع فراهم آورد، تا با معرفی اینان به عنوان شیعیان ائمه علیهم السلام و مطرح کردن عقاید نادرست غالیان و جازدن این عقاید به نام کل جریان تشیع، جامعه نا آگاه آن روز را از شیعه منزجر سازند و از همه مهم‌تر جامعه اسلامی را از دریای بیکران اهل بیت علیهم السلام محروم کنند.

درباره غلو و غالیان باید ذکر کرد که خود کلمه غلو و مشتقات آن، تنها در چند آیه از قرآن ذکر شده است: «ای اهل کتاب، در دین خود غلو و زیاده روی نکنید» (مائده، ۷۷)، «ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و درباره خدا غیر از حق نگوئید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط فرستاده خدا است و کلمه او است» (نساء، ۱۷۱) و «مسلماناً درخت زقوم، غذای گنهکاران است، همانند فلز گداخته شده در شکم‌ها می‌جوشد، جوششی همچون آب جوشان» (دخان، ۴۵ و ۴۶). همچنین حضرت علی علیه السلام فرموده است: «دو مرد و دو طرز فکر، درباره من تباه و نابود شدند، دوستی که زیاده روی و از حد تجاوز کند و دشمنی که در دشمنی زیاده روی نماید» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۹).

در کتاب وسائل الشیعه به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «دو گروه امت من سهمی از اسلام ندارند، یکی کسانی که با اهل بیت من علم جنگ برافرازند، دیگری گروهی که در دین از حد

تجاوز کنند و بیرون روند» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۴۲۶). در این باره آمده است که غالیان از تظاهر کنندگان به اسلام هستند، کسانی که به امیر مؤمنان و امامان دیگر از نسل آن حضرت، نسبت خدایی دادند و آنان را به چنان فضیلتی در دین و دنیا ستودند که در آن از اندازه بیرون و از مرز اعتدال فراتر رفتند (درگاهی، ۱۳۷۱: ۱۳۱)

### پیشینه تاریخی غلو و غالیان

باید ذکر کرد در امتهای و ادیان پیشین، چه الهی و چه غیر الهی، شاهد موارد بسیاری از غلو بوده ایم، چنان که یهودی ها، آن گونه که قرآن در آیه ۳۰ سوره توبه می فرماید: «می گفتند، عزیز پسر خدا است». همچنین در آیه ۱۹ سوره زخرف می فرماید: «فرشتگان را که بندگان خدا هستند، دختران خدا پنداشتند». این اسناد و آیات، برخلاف آنچه که در برخی منابع، آغاز غلو را به مذهب تشیع نسبت می دهند، نشان می دهد که این مسئله دارای یک سابقه تاریخی می باشد.

غلو نسبت به رهبران و پیشوایان دینی، به پیش از ظهور نخستین گروه های غالی در تشیع باز می گردد، که نمونه آن در مورد خلیفه دوم عمر می باشد که بعد از وفات پیامبر ﷺ باور نداشت که ایشان رحلت کرده است، تا اینکه ابوبکر او را متوجه این امر ساخت که پیامبر ﷺ هم بشری مثل سایر انسان ها بود. قرآن در تصریح این امر می فرماید: «إِنَّكَ مِثْلُ آبْنِ مَرْثَةٍ وَأَنَّكَ مِثْلُ آبْنِ مَرْثَةٍ» (زمر، ۳۰)؛ «تو می میری و آنان نیز می میرند». این زیاده انگاری نسبت به افراد، گاه تا مرحله ای نزدیک به دیوانگی هم می رسید، نمونه آن را می توان در بین همراهان عایشه همسر پیامبر ﷺ یافت. آنها به این خاطر که ایشان همسر پیامبر بوده است، سرگین شترش را هم جمع می کردند و می گفتند سرگین شتر مادر ما بوی مشک و عنبر می دهد. این آخرین مرحله غلو نسبت به یک فرد عادی از اجتماع آن زمان صدر اسلام را نشان می دهد (شیبی، بی تا: ۱۲۲).

### غلات در زمان امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام

حکومت عباسیان بعد از انقراض دولت بنی امیه و با زیرکی خاصی، برای پیشبرد نهضت و استفاده از شور و احساسات مردم درباره محمد بن حنفیه و فرزندش عبدالله -ابوهاشم- غلو کردند و آنان را امام قرار دادند، تا بتوانند خلافت خود را منتسب به فرزندان حضرت

علی علیه السلام بنمایند و چنین القاء کنند، که آل علی علیهم السلام به نفع این خاندان از حکومت دست برداشته و با این طریق خلافت را تصاحب کنند و این درست زمانی بود، که تقریباً فشار سیاسی و اجتماعی از خاندان اهل بیت پیامبر کمتر شده بود و ائمه معصومین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام توانستند در آن برهه‌ی از زمان به نشر علوم دینی و الهی بپردازند. اما در همین دوران هم غلات وجود داشتند، فرقه‌هایی از غلات طرفدار بنی عباس که با عقاید عجیب و غریب خود انحرافات را در میان مسلمانان رواج دادند، به طوری که مستقیماً از طرف امامان شیعه علیهم السلام طرد می‌شدند و این حضرات با افشاگری خود در هر زمان و مکانی خطر آنان را به مردم گوشزد می‌کردند و حتی آنان را مورد لعن قرار می‌دادند. اکنون به طور اجمال به معرفی این فرقه‌ها که در زمان این دو امام بزرگوار بودند، می‌پردازیم.

**کریّه:** که به عنوان یاران ابن کرب یا ابوکرب ضریح معرفی شده‌اند؛ به او نسبت داده‌اند که معتقد بود، محمد بن حنفیه ملقب به مهدی است و این لقب را حضرت علی علیه السلام به او داده، او نمرده و نخواهد مرد و هم اکنون غائب است و مکان او معلوم نیست و ظهور خواهد کرد. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۴۴)

**جناحیه:** این فرقه را منسوب به عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب می‌دانند و چون جعفر پس از شهادت از طرف پیامبر ملقب به ذوالجناحین شد، این فرقه را جناحیه نامیده‌اند. این شخص در سال (۱۲۷ هجری) در کوفه بر علیه عاملان بنی امیه قیام کرد و نهایتاً کشته شد. (جزری، ۱۴۰۷: ۵)

**مغیره:** این فرقه منسوب به مغیره بن سعید بجلی است که در زمان امام باقر علیه السلام زندگی می‌کرد، او یکی از هفت نفری است که مورد لعن امام صادق علیه السلام قرار گرفته است، چرا که او خود را نائب امام باقر علیه السلام معرفی کرد و سپس امام را به حدّ خدایی رساند و خودش را پیامبر و امام از طرف او به مردم معرفی نمود. (فیاض، ۱۴۰۶: ۱۱۶)

**بیائیه:** این فرقه منتسب به بیان بن سمعان تمیمی نه‌دی است، او یکی از هفت نفری است که مورد لعن امام صادق علیه السلام قرار گرفت، او خود را با آیه‌ای از قرآن تطبیق می‌کرد: «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ» (آل عمران/۱۳۸) «این بیانی است برای مردم.» او یار و هم‌کار مغیره بود، که با او به هلاکت

رسید و عقاید او جدای از عقاید مغیره نبود. (خویی، ۱۴۲۴: ۳۷۰)

**حارثیه:** این فرقه را دو فرقه‌ی جدا شمرده اند، یکی پیروان حارث شامی و دیگری پیروان عبدالله بن حارث مدائنی. عالم اهل سنت، شهرستانی این فرقه را همان فرقه اسحاقیه می‌داند. در هر حال هر دو نفر اینان جزء هفت نفری هستند که امام صادق علیه السلام آنان را مورد لعن قرار داده است. گفته اند که پیروان حارث شامی یا مدائنی معتقد به امامت ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه می‌باشند. (شهرستانی، بی تا: ۲۵۴)

**صائدیّه:** این فرقه را منسوب به صائد نهادی می‌دانند و این شخص یکی از لعن شدگان از طرف امام صادق علیه السلام است، عقاید این شخص در حقیقت همان عقاید و تفکرات باطل فرقه مغیره و بیانیه است و چیز بیشتری نیست. (اشعری، بی تا: ۵۵)

**حریبه:** این فرقه را منسوب به عبدالله بن عمرو بن حرب کندی کوفی می‌دانند، شایان ذکر است که این فرقه را از جمله فرق انشعابی کیسانیه به حساب می‌آورند، او به خاطر اشتباه و دروغی که طی قضیه ای بیان داشته بود، پیروانش از اطراف او پراکنده شدند و به فرقه حارثیه پیوستند. (اشعری، بی تا: ۸)

**منصوریّه:** این فرقه منسوب به ابومنصور عجلی، یکی از طوایف کوفه می‌باشد، او فردی صحرانشین و بی سواد بود، او بعد از شهادت امام باقر علیه السلام ادعا کرد، که امام سجاد علیه السلام او را جانشین امام باقر علیه السلام قرار داده است. او بعداً خود را پیامبر نامید و گفت بعد از من شش نفر دیگر از فرزندان من به پیامبری می‌رسند که آخرین نفر از اینان قائم است. (همان)

**حسینیّه:** این فرقه پیروان حسین، یکی از فرزندان ابومنصور عجلی می‌باشند که بعد از پدر مدعی نبوت شد و طرفدارانی به او پیوستند و اموال زیادی نزد او جمع شد، طوری که در پیشبرد فرقه پدرش نقش زیادی داشت و در زمان خلافت مهدی عباسی خودش و پیروانش به دار آویخته شدند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۵۴)

**محمدیه:** گروهی از پیروان ابومنصور عجلی که بعد از مرگ او به پسرش ملحق نشدند، بلکه طرفدار محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب که در آن زمان قیام خود را بر ضد منصور خلیفه عباسی شروع کرده بود پیوستند. اینان معتقد بودند، که امام باقر علیه السلام ابومنصور را

وصی خود قرار داد، نه فرزندان خود را، همان طور که حضرت موسی علیه السلام یوشع بن نون را وصی خود قرار داد، نه فرزندان خود و نه فرزندان هارون را. (اشعری، ۱۴۰۰: ۲۳)

**خطابیّه:** این فرقه منسوب به محمد بن مقلاص اسدی کوفی بزاز معروف به ابوالخطاب می باشد. ظاهراً پارچه فروش بوده است. از اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار می رفت، که بعداً منحرف شد، چرا که احادیثی را با سند جعل می کرد و آن را در کتب اصحاب ائمه و با نام ائمه معصومین قرار می داد. از مهم ترین فرقه های غالبه است که غلات قبل و بعد از خود را تحت الشعاع قرار داد و غلات بعد از او عقاید خود را از او گرفتند. مقریزی در کتاب خود تعداد فرقه های خطابیّه را که منشأ همه آنان ابوالخطاب است را پنجاه فرقه می داند. (مقریزی، بی تا: ۲۹۱)

**بزعیّه:** این فرقه منسوب به بزيع بن موسی حائك است، او از طرفداران ابوالخطاب بود که بعد از قتل عام فرقه ی خطابیّه این فرقه را تاسیس کرد. او یکی از غلاتی است که بارها مورد لعن امام صادق علیه السلام قرار گرفته است. (شیخ طوسی، ۱۳۴۸: ۱۹۷)

**عمیریه:** یکی دیگر از فرقه های منشعب از فرقه خطابیّه است که به نام شخصی به اسم عمیر بن بیان عجلی منسوب است، اینان همان عقاید بزعیّه را دارا بودند، جز این که مردن خود را می پذیرفتند. اینان خیمه ای را در یکی از محله های کوفه برپا کرده بودند و امام صادق علیه السلام را عبادت می کردند. که نهایتاً حکومت وقت او را دستگیر و به دار آویخت. این فرقه را عجلیه هم می نامند. (شهرستانی، بی تا: ۱۸۰)

هم چنین فرقه های دیگری مانند معمریه که منسوب به معمر بن خثیم؛ فرقه سریه یکی از سران فرقه غلات در زمان امام صادق علیه السلام؛ فرقه بشاریّه یا همان شعیریه، علیائیه منسوب به بشار شعیری در زمان امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) زندگی می کرد؛ فرقه زراریه یا همان تمیمیه که منسوب به زراره بن اعین است؛ فرقه هشامیه که منسوب به هشام بن حکم است؛ فرقه شیطانیه یا همان نعمانیه که منسوب به ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان احول است؛ فرقه جوالیقیّه که منسوب به ابوالحکم هشام بن سالم جوالیقی است؛ فرقه مفضلیّه منسوب به مفضل بن عمر جعفی کوفی است؛ فرقه یونسیه منسوب به یونس بن عبدالرحمان قمی مولی آل یقطین

است. (اشعری، بی تا: ۵۳)

که برخی از اینان از یاران خاص ائمه بودند، که دشمنان اهل بیت و ائمه معصومین (علیهم السلام) به نام ایشان فرقه ساختند، تا با کوبیدن آن‌ها در حقیقت امامان معصوم شیعه را مورد هجمه قرار دهند. فرقه‌هایی که خود این اصحاب، آن عقاید کذایی که به نام ایشان بوده است را قبول نداشتند، چرا که این نام‌ها اصلاً وجود خارجی به عنوان فرقه شدن را نداشتند. در نتیجه برخی از این فرقه‌ها با لعن ائمه، خصوصاً امام صادق علیه السلام روبرو شدند و خطرشان را حضرات معصومین (علیهم السلام) گوشزد می‌کردند و برخی دیگر هم با ترفند دشمنان اهل بیت پیامبر به میدان آورده شدند، تا جایگاه ائمه شیعه را خراب کنند، که در ظاهر هم موفق به آن نشدند.

### برخورد امام باقر علیه السلام با پدیده غلات

غلات با سوء استفاده از روایات امام باقر علیه السلام و نسبت دادن احادیث جعلی به حضرت می‌کوشیدند از حیثیت شیعی برخوردار شوند و با کشاندن شیعیان به جمع خود به اغراض سیاسی شان جامه عمل بپوشانند، به خصوص زمانی که امام باقر علیه السلام در مدینه تشریف داشتند. اما حضرت آنها را طرد می‌کردند و دستور می‌دادند که اصحاب و دوست داران ایشان نیز آنها را طرد نمایند. مثلاً مغیره بن سعید و بیان بن سمعان را که از رهبران غلات بودند توسط اصحاب امام باقر علیه السلام تکفیر شدند. غلات، سعی می‌کردند با وانمود کردن اطاعت ظاهری از امام باقر علیه السلام خود را از عمل به وظائف اسلامی معاف دانسته ولی امام مکرر به لزوم عمل صالح تاکید می‌فرمودند و سعی در خنثی نمودن اندیشه انحرافی غلات می‌کردند. حضرت می‌فرمودند: "شیعیان ما اطاعت کنندگان خدا هستند. همچنین می‌فرمودند: « شیعیان ما اهل زهد و عبادت هستند، افرادی که شبانه روزی پنجاه و یک رکعت نماز بجای می‌آورند، شب‌ها در حال عبادت و روزها، روزه دار و زکات اموال خود را می‌پردازند و به زیارت خانه خدا رفته و از محرّمات الهی اجتناب می‌کنند. » (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۵)

مسئله دیگر قابل ذکر این است که امام باقر علیه السلام نسبت به مردم عراق و میزان پایداری و اطاعت



آنها در راه و اهداف عالیّه اسلامی اعتماد نداشتند، گرچه آنها به شدت اظهار علاقه می‌کردند اما به دلائلی که بعضی از آنها به سوابق تاریخی مردم کوفه و رفتار آنها با امام علیّ، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) بر می‌گردد، امام باقر علیه السلام اعتماد نداشتند و در جواب یکی از شیعیان که گفت: اصحاب و یاران ما (شما) در کوفه جمعیتی زیاد هستند و شما را اطاعت می‌کنند، فرمودند: «آنها به خون‌های خود بخیل تر هستند.» با توجه به این مسائل (کمی یاران و انصار واقعی و خالص) حضرت باقر علیه السلام، مصلحت اسلام و حفظ آن را در رعایت تقیّه می‌دانستند و علی رغم فشاری که مردم عراق از حاکمان ستمگر و ظالم اموی متحمل می‌شدند قیام نفرمودند و این مسئله باعث شد که تعداد زیادی در امامت ایشان تردید کردند و لذا انشعاباتی در میان آنها رخ داد و عده ای به امامت برادرش زید معتقد شدند. ولی امام باقر علیه السلام همواره شیعیان را به صبر و بردباری در برابر مشکلات و مقاومت و خویشتن داری توصیه می‌فرمودند. (همان)

در حقیقت امام باقر علیه السلام همواره در جهت مبارزه با اینگونه جریان‌های انحرافی که موجب گمراهی و تباهی مردم میشد، تلاش کرده اند و این روایات و شواهد تاریخی حاکی از این مساله است.

### شیوه های مبارزه‌ی امام صادق علیه السلام با غالیان

همان طور که اشاره شد، در عصر امام صادق علیه السلام و غلو و غلات، رشد چشم‌گیری پیدا کرد. این مسئله، هم موجب زیر سؤال بردن جای گاه اهل بیت می‌گردید و هم مردم را در تشخیص شیعیان واقعی از غیر آن دچار مشکل می‌کرد، زیرا عقاید غلات با معارف اهل بیت هم سویی نداشت، رفتار آنان نیز با رفتار شیعیان واقعی، متضاد بود. از این رو امام صادق علیه السلام در کنار فعالیت‌های علمی دیگر، با غلات و غلوگرایی مبارزه نمود، زیرا هرگونه ارتباط و مرادده با غلات، اثرات سوء اعتقادی و اجتماعی... در پی داشت. به همین دلیل و برای حفظ شیعه اصیل و نهادینه کردن آن لازم بود امام صادق علیه السلام با آنها مبارزه آشکاری را شروع کند و افکار و نظریات باطلشان را از ساحت شیعه دور کند، چرا که در غیر این صورت اثری از شیعه واقعی باقی نمی‌ماند و این

مذهب بازیچه دست بوالهوسانی می شد که با تأثر از فرهنگ های مسیحی - یهودی، چهره ای دیگر از شیعه ارائه می دادند. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۵۷)

امام صادق علیه السلام با شیوه های متعددی اقدام به این امر نمود، که در این جا به بعضی از آنها اشاره می شود.

### الف) هشدار

اولین اقدام امام، هشدار دادن به شیعیان بود که با غالیان قطع رابطه کنند، زیرا هرگونه ارتباطی با آنان پی آمد سویی داشت. آن حضرت خطاب به شیعیان فرمودند: « با غلات، نشست و برخاست نداشته باشید و با آنان هم غذا نشوید و دست دوستی به سوی آنها دراز نکنید و به مبادله فرهنگی و علمی با آنان نپردازید. » (شیخ طوسی، ۱۳۴۸: ۵۸۶)

ایشان به شیعیان سفارش می نمودند که مواظب جوانان خویش باشند تا تحت تأثیر افکار و عقاید غلات قرار نگیرند: « احذروا علی شبابکم الغلاة لا یفسدهم. الغلاة شر خلق الله یصغرون عظمة الله و یدعون الربویة لعباد الله... ؛ جوانتان را از غلات دور نگاه دارید تا آنان را فاسد نکنند. غلات، بدترین خلق خدا هستند که از عظمت خدا می کاهند و بر بندگان او اثبات الوهیت می کنند. » (شیخ صدوق، بی تا: ۲۶۴)

ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز در این باره به مردم هشدار می دادند و از «غلات» بیزاری می جستند. امام علی علیه السلام فرمود: خداوندا! من از غلات بیزاری می جویم؛ همان گونه که عیسی بن مریم از نصاری بیزاری جست. خدایا آنان را خوار گردان و احدی از آنها را یاری مکن. (گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۳۰۷)

### ب) تکذیب عقاید غلات

امام صادق علیه السلام در جهت مبارزه با غلات، عقاید آنان را انکار می کرد و با محکوم نمودن آن، یک حرکت فکری مناسب را در راستای تصحیح احادیث و عقاید شیعه به راه انداخت. بنا به نقل شهرستانی؛ «سُدیر صیرفی» نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: مولای من، شیعیان در باره شما دچار اختلاف نظر شده اند؛ گروهی می گویند: هر چیزی که امام برای هدایت مردم به آن احتیاج

دارد به گوشش گفته می‌شود، برخی می‌گویند: به او وحی می‌شود، عده ای می‌گویند: به قلبش الهام می‌شود، گروه دیگری می‌گویند: در خواب می‌بیند و بالاخره بعضی گفته اند: از روی نوشته های پدرانش فتوا می‌دهد؛ کدام یک از این نظریات صحیح است؟

امام علیه السلام فرمود: ای سدیر! هیچ کدام از این سخنان درست نیست. ما حجت خدا و امنای او بر برگزیدگانش هستیم و حلال و حرام را از کتاب خدا می‌گیریم. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۵۸)

عیسی جرجانی می‌گوید: به جعفر بن محمد علیه السلام عرض کردم: آیا آن چه را که از این جماعت شنیده ام به عرض برسانم؟ فرمودند: بگو. گفتیم: «فان طائفة منهم عبدوك و اتخذوك الهامن دون الله و طائفة أخرى قالوا لك بالتبوء... قال: فبکی حتی ابتلیت لحيته ثم قال: ان امکننی الله من هؤلاء فلم اسفک دمانهم سفک الله دم ولدی علی یدی؛ گروهی از آنان تو را به جای خدا عبادت می‌کنند و گروهی دیگر نسبت پیامبری به تو می‌دهند، می‌گویند: همین که امام این مطلب را شنید، چندان گریست که صورت مبارکش از اشک چشمش خیس شد. سپس فرمود: اگر خدا آنها را در دسترس من قرار دهد و من خون آنان را نیزم، خدا خون فرزندانم را به دست من بریزد. «(جرجانی، بی تا: ۳۲۲)

مهدویت امام باقر علیه السلام از جمله دست آویزهای غلات در عصر امام صادق علیه السلام بود که حضرت آن را انکار کرد. (شیخ طوسی، ۱۳۴۸: ۳۰۰)

امامان بزرگوار، اعتقاد به نبوت ائمه معصومین علیهم السلام را که از طرف غلات عنوان شده بود، انکار کرده اند. از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است که فرمود: «من قال: انا انبیاء فعلیه لعنة الله و من شک فی ذلک فعلیه لعنة الله؛ خدا لعنت کند کسانی را که ما را پیامبران خدا می‌دانند و خدا لعنت کند کسانی را که در آن شک دارند.»

یکی دیگر از عقاید افراطی غلات این بود که لفظ «اله» را به امام اطلاق کرده و می‌گفتند: «هو الذی فی السماء اله و فی الارض اله، قال: هو الامام». امام صادق علیه السلام قائلین به این عقیده را بدتر از مجوس و یهود و نصاری و مشرکان، خواند. (همان)

### ج) تکفیر و نفرین

یکی دیگر از شیوه‌های مبارزه امام با غلات، تکفیر و نفرین آنان بود. امام با تکفیر آنان، هم عقایدشان را زیر سؤال می‌برد و هم بدین وسیله خط شیعیان خود را از آنان جدا می‌ساخت. البته تکفیر امام در دو مرحله صورت گرفت: نخست، رهبران غلات و سپس افراد دیگر را تکفیر نمود. این رویکرد امام بدان دلیل بود که رهبران غلات در گسترش فرهنگ غلو بسیار مؤثر بودند. از سویی، تکفیر آنان موجب می‌گردید که غلات دیگر از اهداف و عقاید آنان فاصله بگیرند.

در مرحله دوم، امام علیه السلام آن دسته از غلات را که هدایت نمی‌شدند و لجوج بودند تکفیر کرد. آن بزرگوار درباره «ابی الخطاب»، یکی از سران غلات فرمود: لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر «ابی الخطاب» او کافر، فاسق و مشرک است. (کشی، بی تا: ۳۴۲)

در روایتی دیگر به بشار شعیری، یکی دیگر از سران غلات فرمود: «او شیطان پسر شیطان است و کارش به انحراف کشیدن شیعه است.» (همان)

### د) فرهنگ سازی و تربیت

از جمله روش‌های امام صادق علیه السلام در برخورد با غلات، نیروسازی بود. امام می‌دانست مبارزه جدی با این مسئله مهم نیاز به نیروسازی و تربیت افراد دارد. از این رو به تربیت بعضی پرداخت تا مسیر امام را ادامه دهند. در روایتی مستند از امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت با اشاره به اصحاب ابی الخطاب به مفضل فرمود: «یا مفضل لا تقاعدوهم ولا توکلوهم ولا تشاربوهم ولا تصافحوهم ولا توأثروهم؛ ای مفضل! با غلات نشست و برخاست نکنید و با آنان هم غذا نشوید و دست دوستی به سوی آنان دراز نکنید و به مبادله فرهنگی و علمی با آنان نپردازید.» (شیخ طوسی، ۱۳۴۸: ۵۸۶)

گرچه از حدیث فوق، قطع رابطه مفضل با غلات برداشت می‌شود، اما امام با این جملات در صدد فرهنگ سازی و رشد فکری یاران خود بود. شاگردان او نیز در مبارزه با غلات موفق بودند، زیرا آنان مسیر امام را ادامه داده و با غالیان برخوردی جدی داشتند. این امر از گسترش و اشاعه

فرهنگ غلو جلوگیری کرد و باعث شد فعالیت های غالیان کم رنگ شود.

### ۵) معیارگرایی

امام صادق علیه السلام به یاران و شیعیان خود سفارش می نمود که در شناخت اهل بیت علیهم السلام و معارف دینی، قرآن و سنت پیامبر را معیار قرار دهند. هر آن چه با آنها منطبق بود بپذیرند وگرنه رد کنند. آن حضرت به شیعیان توصیه می نمود که درباره امامان غلو نکنند و می فرمود: هر آن چه را غالیان درباره ما گفته اند واقعیت ندارد و ما آن را قبول نداریم و آن چه را که از زبان خودمان درباره جای گاه ما شنیدید بپذیرید.

امام صادق علیه السلام به منظور طرد افکار غالیان فرمود: «لعن الله من قال فینا ما لا نقوله فی انفسنا و لعن الله من ازالنا عن العبودية لله الذی خلقنا و الیه مابنا و معادنا و بیده نواصینا.» (ذهبی، ۱۳۸۲: ۹۹)

هم چنین آن حضرت به شیعیان سفارش کرد در پذیرش احادیث اهل بیت، قرآن و سنت پیامبر را معیار قرار دهند؛ یعنی آن دسته از احادیث را که موافق قرآن و سنت است اخذ کنند: «لا تقبلوا علینا حدیثاً الا ما وافق القرآن و السنّة او تجدون معه شاهداً من احادیثنا المتقدّمه...؛ از ما حدیثی را نپذیرید، مگر آن که موافق با کتاب و سنت باشد یا از دیگر احادیث ما شاهدهی بر آن بیابید.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۸)

توصیه امام علیه السلام بدان دلیل بود که غلات، حدیث جعل می کردند. از این رو امام صادق علیه السلام خطاب به مغیره بن سعد، یکی از سران غلات فرمود: «همانا مغیره بن سعد که خدایش لعنت کند، احادیث فراوانی در کتاب های اصحاب پدرم گنجانده (جعل کرده) که آنها را بیان نکرده است. پس تقوا پیشه سازید و چیزی را که مخالف قول خدا و سنت پیامبر است، نپذیرید.» (همان)

هم چنین امام صادق علیه السلام به یاران خود توصیه نمود که در شناخت اصول عقاید و آموزه های دینی، قرآن و سنت را معیار قرار دهند، زیرا غالیان، عقاید کاذب را ارائه می دادند و از آن تبلیغ می نمودند.

در چنین فضایی بود که امام با غلات برخورد کرد و خطاب به آنان فرمود: «توبوا الی اللّٰه فانّهم فسّاق کفّار مشرکون؛ به سوی خدا برگردید، چون شما فاسق، کافر و مشرک هستید» (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۹۷). و در جای دیگر فرمود: « اینها (غلات) چیزهای شنیده اند اما حقیقت آن را درک نکرده اند، چون در شناخت حقایق دینی، نظرهای خود را مبنا قرار داده و به نیروی فکر خود توسل جسته اند، علت این کار، تکذیب رسول خدا و افترا بر او و جرئت بر انجام گناهان است. » (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۶۳)

به کارگیری این شیوه (ارائه معیارها) موفقیت آمیز بود، زیرا موجب شد عقاید و افکار غالیان زیر سؤال برود. افزون بر آن، این شیوه جلوی جعل حدیث را نیز گرفت. مهم تر از همه آن که باعث گردید مردم در شناخت امامان و اصول عقاید کمتر دچار مشکل شوند. این همان هدفی بود که امام در صدد تحقق آن بود.

شیوه مبارزه امام صادق علیه السلام با غلو و غلات به ما می آموزد که در شناخت اهل بیت علیهم السلام از هرگونه افراط و تفریط پرهیز نموده و اعتدال را رعایت کنیم. نه آنها را از مقاماتی که دارند بالاتر ببریم و به مقام خدایی برسانیم و نه مقاماتی را که در آیات و روایات برای آنها بیان شده انکار کنیم؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمود: « هلك فيّ رجلا ن: محب غال و مبغض قال؛ درباره من دو کس هلاک شدند: یکی، دوستی که از حدّ گذراند و دیگری، دشمنی که از مقام فرو کشاند. » (سید رضی ۱۴۲۳: ۱۱۷)

امامان دیگر نیز به شدت با غلو مبارزه می نمودند. علامه مجلسی (ره) حدود هزار روایت را از امامان در این باره ذکر کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۵) عالمان و فقیهان شیعه نیز با غلو و غلات برخورد و غالیان را نکوهش می کردند. مرحوم شیخ مفید می فرماید: اعتقاد ما درباره غلات این است که آنها کافرند و از یهود و نصاری بدترند. (شیخ مفید، بی تا: ۷۱).

## نتیجه گیری

بحث پیرامون غلو و غالیان بسیار وسیع است که در این نوشتار به بخشی از آن اشاره شد. به طور کلی از مجموع آن چه که گفته شد می توان نتیجه گرفت که؛

غلو یک جریان فکری انحرافی است که در طول تاریخ همواره وجود داشته است و در زمان اسلام هم بروز پیدا کرده و عده ای را به خود جذب کرده است.

امامان معصوم علیهم السلام همواره در جهت مبارزه با این گونه عقاید تلاش کرده و با آگاه سازی مردم و شفاف سازی عقاید باطل غلات ، انحراف این فرقه را برای مردم تبیین کرده و آنها را به قطع رابطه و دوری جستن از غلات توصیه می کردند.. به نظر می رسد اگر آن امامین صادقین (علیهم السلام) با تسامح از کنار این فرقه ها می گذشتند، اکنون مذهب امامیه از فرق های غالی معرفی می گردید.

با این وجود امروزه یکی از آفات و آسیب های جدی جامعه ما، غلو و غلوگرایی است که در قالب های مختلف ظهور می کند. اگر از این امر جلوگیری نشود، معارف اهل بیت علیهم السلام آسیب می بیند و مردم در شناخت شیعیان واقعی دچار مشکل می شوند. افزون بر آن، گسترش فرهنگ غلو آثار سوء اعتقادی و سیاسی در دین دارد که بسیار خطرناک است.

## کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. جزری، ابن اثیر (۱۴۰۷ق). **الکامل فی التاریخ**، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ج ۵.
۲. اشعری (۱۴۰۰ق). **المقالات الاسلامیین**، دار النشر، بیروت، لبنان.
۳. اشعری (بی تا). **المقالات و الفرق**، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان.
۴. جرجانی (بی تا) **تاریخ جرجان**.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۱). **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، مؤسسه انصاریان، قم.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). **وسائل الشیعه**، بیروت، دارالحیاء.
۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۰۴ق). **تاج العروس**، تهران، نشر پگاه.
۸. خوبی (۱۴۲۴ق). **معجم رجال الحدیث**، مرکز نشرالثقافیه، قم، ایران، ج ۳.
۹. درگاهی، حسین (۱۳۷۱ش). **تصحیح اعتقادات الامامیه**، تهران.
۱۰. ذهبی (۱۳۸۲). **میزان الاعتدال**، ج ۳.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). **مفردات الفاظ القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم، بیروت، الدار الشامیه.
۱۲. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۱ش). **فرق و مذاهب کلامی**، قم، دفتر تحقیقات و کتب درسی.
۱۳. شهرستانی، ملل و نحل (بی تا)، **دارالمعرفه**، بیروت، لبنان، ج ۱.
۱۴. شبیبی، کامل مصطفی (بی تا). **الصله بین التشیع و التصوف**، قاهره، دارالمعارف.
۱۵. صالحی نجف آبادی، نعمت الله، (۱۳۸۴). **انتشارات کویر**، تهران.
۱۶. صدوق، امالی، ج ۲.



۱۷. طوسی، (۱۳۴۸). اختیار معرفه الرجال، موسسه آل البيت، قم، ایران، مصحح میر داماد.
۱۸. فیاض، عبدالله (۱۴۰۶). تاریخ الامامیه، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان.
۱۹. کشی، ابو عمر (بی تا). رجال کشی.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية، ج ۲۵.
۲۱. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۵ش). تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، تهران، اشراقی.
۲۲. معین، محمد (۱۳۷۵ش). فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم.
۲۳. مفید، محمد بن نعمان (بی تا). الاعتقادات فی دین الامامه.
۲۴. مقریزی (بی تا). خطط مقریزیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ج ۳.
۲۵. نجاشی (۱۴۰۷). رجال النجاشی.
۲۶. نوبختی (۱۴۰۴). فرق الشیعه، دارالاضواء، بیروت، لبنان.
۲۷. <http://fa.abna.com>
۲۸. <http://adyannet.com>
۲۹. <http://hablolmatin.dmsonnat.ir>
۳۰. <http://hawzah.net>

